

نمی‌توانید به دیگران «نه» بگویید دچار عذاب وجدان هستید؟ آیا در انجام کارهای روزانه احساس نکرده‌اید که قدرت تصمیم‌گیری ندارید و از اعتماد به نفس کافی برخوردار نیستید؟ طبیعی‌ترین پیامد و عوارض چنین حالاتی، بی‌حوصلگی، بی‌خوابی، نواپس‌اندی، بی‌تفاوتی، عدم انگیزه و رغبت به زندگی و کار، تنهایی و... خواهد بود.

گاهی اوقات برای حل مشکلاتی از این دست هیچ راه حلی به ذهنمان نمی‌رسد. گاهی به انزوا و گوشه‌نشینی پناه می‌بریم (بدترین حالت). گاهی نیز به سراغ دیگران رفته تا از تجارب و راهنمایی‌ها و مشاوره آنان بهره‌مند شویم (بهترین حالت). به نظر می‌رسد، عقل سلیم حکم می‌کند که در حل مسائل و مشکلات روحی، همانند مسائل و مشکلات جسمی، نیازمند مشاوره و مراجعه به متخصصان فن هستیم تا از مشاوره و تجربیات آنان برای حل مشکلات روحی خود بهره‌مند شویم.

آنچه می‌خوانید، سوالات یکی از خوانندگان محترم نشریه دیدارآشناست که پیرامون علل و عوامل افت تحصیلی به دفتر نشریه واصل شده است و توسط کارشناس محترم پاسخ‌های آن را می‌خوانید.

لطفاً بفرمایید افت تحصیلی به چه معناست؟

یکی از بحران‌های بزرگ نظام آموزشی در کشورهای مختلف، به ویژه کشورهای جهان سوم، مسأله «افت و شکست تحصیلی» است که از دیرباز مورد توجه مسؤولان آموزشی بوده است. امروزه نیز از مهم‌ترین



اهمیت مشاوره

مستقیمی با سلامت جسم آدمی دارد. در بسیاری از بیماری‌هایی که مردم فقط به عوامل جسمی آن توجه دارند، مانند ناراحتی‌های گوارشی، قلبی و حتی مغزی

آیا تاکنون به مشکلی برخورد کرده‌اید که نیاز به کمک

محمد فولادی

علل وعوامل افت تحصیلی

مسائل آموزش و پرورش به شمار می‌رود. بسیاری از مربیان، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و... بر حسب دیدگاه‌های خاص خود به این مسأله تفسیر می‌دهند و تعاریف گوناگونی نیز از آن به دست داده‌اند. مراد از افت تحصیلی این است که افرادی استفاده از امکانات آموزشی را به دست نیاورند. در این‌جا منظور از شکست و افت تحصیلی این است که اشخاصی فرصت استفاده از امکانات آموزشی را پیدا کنند ولی به عللی از مدرسه اخراج شوند، ترک تحصیل کنند، تجدید یا مردود شوند، یا این‌که والدینشان آنان را از ادامه تحصیل بازدارند. به نظر ما، حتی کسانی که کیفیت و میزان پیشرفت آنان در تحصیل نسبت به سال یا سال‌های قبل کاهش یافته

و... عوامل روحی و روانی در آن دخیل هستند. از این‌رو، شناخت و توجه به بیماری‌های روحی نیز حائز اهمیت است.

آیا تاکنون احساس یوچی کرده‌اید؟ آیا تاکنون احساس نکرده‌اید که بی‌دلیل احساس یأس و نواپس‌اندی یا ترس و اضطراب دارید؟ آیا تاکنون خودخوری نکرده‌اید که چرایی دلیل فلان حرف را زدم وای کاش در پاسخ فرزند یا دانش‌آموز و یا همسر خود، فلان استدلال را به کار می‌بردم! آیا تاکنون احساس کرده‌اید که بی‌دلیل از مشاهده تارکی، برخی حشرات یا و... دچار ترس بی‌دلیل می‌شوید؟ آیا احساس نکرده‌اید برای فهم مسأله‌ای دچار کُند ذهنی شده‌اید؟ آیا از این‌که

داشته باشید. برای هر یک از ما کم و بیش ممکن است چنین حادثه‌ای روی داده باشد. مسائل و مشکلات زیادی، اعم از روحی و جسمی، برای ما کم و بیش پیش آمده و می‌آید که ما را وادار به عکس‌العمل در مقابل آن می‌کند. مردم معمولاً حساسیت زیادی در مقابل مشکلات جسمی خود دارند و با بروز کوچک‌ترین مشکل جسمی، به پزشک مراجعه می‌کنند. اما در مورد بهداشت روان بسیار محتاط عمل می‌کنند. افراد در زندگی دوست ندارند دیگران از مسائل و مشکلات روحی آنان باخبر باشند و از این‌رو، این مشکلات را کم‌تر با مشاور یا حتی والدین خود در میان می‌گذارند. بی‌شک سلامت روح و روان رابطه نزدیک و

باشد، دارای افت تحصیلی هستند.

به نظر شما چه عواملی در افت و شکست تحصیلی مؤثر هستند؟

اجمالاً باید دانست عدم عنایت کافی به اهمیت و نقش بسزای مدرسه در رشد و شخصیت آینده‌سازان کشور، توالی فاسده‌فرآوانی را به دنبال خواهد داشت. مسائلی از قبیل شرایط و امکانات تحصیل، محتوای کتاب‌های درسی و تطابق آن با نیازهای دانش‌آموزان، شرایط فیزیکی و جغرافیایی مدارس، امکانات سرگرمی و ورزش، ارتباط خانه و مدرسه، مشکلات روانی و خانوادگی دانش‌آموزان، سطح علمی معلمان، وضع معیشتی آنان، روش تدریس مدرسان، مدیریت و سازماندهی آموزش، کیفیت پرورش در کنار آموزش و دهها مسأله دیگر از این دست هر یک می‌توانند نقش مؤثری در افت و شکست تحصیلی دانش‌آموزان داشته باشند. به طور کلی، می‌توان عوامل مؤثر در افت تحصیلی را به دو دسته کلی تقسیم کرد:

۱. عوامل درون‌سازمانی: که مربوط است به معلم، دانش‌آموز، کیفیت و محتوای دروس، فضای آموزشی، مدیریت، ارزشیابی و سنجش، امتحان و نمره، محدودیت مالی کشور و...

۲. عوامل برون‌سازمانی: که عمدتاً ناظر به فقر اقتصادی خانواده‌ها، درگیری‌های والدین و دانش‌آموزان و... می‌باشد.

از عوامل مهم و تعیین‌کننده در افت تحصیلی یا پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، کتاب‌های درسی است که به دانش‌آموزان ارائه می‌شود. این مسأله از دو جهت در نظام آموزشی حائز اهمیت است: اول آن‌که ارزشیابی تحصیلی و استخدامی، تعیین صلاحیت علمی افراد و نیز ملاک ورود به دانشگاه‌ها و مراکز عالی و... بر محور کتاب‌های درسی و فهم محتوای آن استوار است. دوم این‌که، اگر بگوییم کتاب‌های درسی تنها وسیله آموزشی است که در اختیار معلمان قرار می‌گیرد، سخنی به گراف نگفته‌ایم.

در تهیه و تدوین کتاب‌های درسی توجه به این نکته ضروری است که نه تنها در کتاب‌های مختلفی که در یک پایه تحصیلی تدریس می‌شود هماهنگی میان اجرای آن، که هر کدام هدف خاصی را برای گروه سنی ویژه‌ای تعقیب می‌کنند لازم است، بلکه هماهنگی برنامه مطالعه دانش‌آموزان و کوشش‌های تربیتی، آموزشی مدرسه با آن چه در منزل توسط والدین و در محیط زندگی توسط همسالان و دوستان، به دانش‌آموزان ارائه می‌شود، ضرورت دارد و اگر دوگانگی میان آن‌ها احساس شود برنامه تربیتی، آموزشی دچار اختلال می‌شود و احیاناً اثر معکوسی بر جای خواهد گذاشت.

علاوه بر این، کتاب‌های درسی باید واجد ویژگی‌هایی باشند که از آن جمله‌اند: مفید و سودمند

بودن محتوا و تناسب داشتن آن با اهداف کلی نظام آموزشی، هماهنگی با ارزش‌های فرهنگ اسلامی، در برداشتن مسائل علمی روز با توجه به شرایط اقلیمی و جغرافیایی کشور، قابل هضم و فهم بودن محتوا کتاب‌ها با گروه سنی خاص خود، جذابیت محتوا، هماهنگی و همسطح بودن آن با دیگر کتاب‌ها، تناسب حجم کتاب با ساعات درسی و... کتاب‌های درسی و محتوای آن اگر مطابق استاندارد و فنی تدوین نشود، می‌تواند از عوامل بی‌علاقگی دانش‌آموزان به مطالعه و در نتیجه، از عوامل افت تحصیلی محسوب شود. به عقیده یک دانش‌آموز «مدارس درس زندگی به ما نمی‌آموزند، کتاب‌های گذشته توسط همان معلمان تدریس می‌شود و اصلاحات اساسی در آن به عمل نیامده است. لازم بود مدارس روش صحیح حیات را به ما می‌آموختند و نیاز امروزی ما را درک می‌کردند و براساس آن برنامه

همه جا دریغ می‌خورند که شاگردان امروز مانند گذشته یاد نمی‌گیرند و از درجه هوش کم‌تری برخوردارند، اما تمام اشتباه در این است که توجه ندارند که ما امروزه نیازها، روش‌های آموزشی و اهداف تعلیم و تربیت مان تغییر کرده است.

می‌نوشتند.»^(۱)

مدیران در نظام آموزشی و بخصوص در مدارس، نقش اصلی را در اجرا و پیش برد اهداف نظام آموزشی بازی می‌کنند. در واقع، ایشان مجریان اصلی برنامه‌های نظام آموزشی هستند. مدیریت در این نظام‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است چرا که اداره یک مدرسه چه از نظر ماهیت و چه از نظر نوع رابطه مانند اداره یک مملکت است، متتهی در مقیاس کوچک‌تر. برخی از مدیران یا معلمان برای حفظ کلاس یا محیط مدرسه از قدرت زور، اخراج، تنبیه، توبیخ و... استفاده می‌کنند. روشن است که چنین محیطی برای مدت زیادی دوام نخواهد داشت؛ چرا که دانش‌آموزان همواره از مدیران و معلمان در هراسند و دلپره و ترس به سر می‌برند.

متأسفانه در بسیاری از مدارس، بسیاری مدیرانی که تازه تحصیلات خود را به پایان رسانده و بر کرسی مدیریت نشسته‌اند و زمانی که در برابر شرایط

غیرمنتظره قرار می‌گیرند، دست و پای خود را گم کرده و تصمیماتی عجولانه می‌گیرند که ممکن است خسارات جبران‌ناپذیری بر نظام آموزشی وارد کنند و موجبات دلسردی معلمان، دانش‌آموزان و نیز موجبات بی‌نظمی، بی‌برنامگی و... را فراهم آورند که این خود موجب افت تحصیلی دانش‌آموزان و عدم موفقیت اهداف نظام آموزشی است.^(۲)

از دیگر عواملی که موجب افت تحصیلی می‌شود، دیر رسیدن کتاب به دست دانش‌آموز است. مدتی از سال تحصیلی گذشته که کتاب‌های درسی در اختیار دانش‌آموز قرار می‌گیرد. این مسأله موجب ایجاد اختلال در برنامه تدریس می‌شود و معلم زمان کافی و لازم را برای تدریس نخواهد داشت و از زمان مفید تحصیل کاسته می‌شود. در کنار این مسأله، تغییر پیاپی کتاب‌های درسی آن هم بدون برنامه‌ریزی درست و توأم با شتاب‌زدگی، موجب به هدر رفتن تجربیات گذشته معلم شده و موجبات افت تحصیلی دانش‌آموزان را فراهم می‌آورد.

در پایان به طور فهرست‌وار به عواملی چند که ممکن است در افت تحصیلی دانش‌آموزان مؤثر واقع شوند اشاره می‌گردد:

۱. نابرابری توزیع امکانات آموزشی در شهر و روستا؛
۲. تقلیدی بودن نظام آموزشی؛
۳. نقص برنامه‌ریزی‌های آموزشی؛
۴. پایین بودن ارزش واقعی تعلیم و تعلم در جامعه؛
۵. کمبود یا فقدان ارتباط لازم و کافی و صمیمانه بین معلمان و دانش‌آموزان؛
۶. عارفاتی بی‌جای بعضی از معلمان به دانش‌آموزان؛
۷. ضعف هوش دانش‌آموزان؛
۸. محدودیت مالی کشورها و عدم امکان سرمایه‌گذاری آموزشی؛
۹. امتحان و نمره؛
۱۰. بُعد مسافت.

آیا در افت تحصیلی، فقط دانش‌آموزان مقصر هستند؟

همان‌طور که اشاره شد، طرف دیگر فرایند تعلیم، تعلیم است. در یک قضاوت متصفانه، روا نیست که علت تأمه افت و شکست تحصیلی را در نظام آموزشی و در معلمان خلاصه کنیم. معلم نیز یکی از عوامل و متغیرهایی است که در این امر سهم بسزایی دارد. «معمولاً وقتی شاگردی در تحصیل شکست می‌خورد، پدر و مادر می‌پندارند که شاگرد کندذهن، سر به هوا، بی‌توجه، بازیگوش را باید رام کرد.»

پروفسور ترنس در این زمینه می‌نویسد: «همه جا دریغ می‌خورند که شاگردان امروز مانند گذشته یاد نمی‌گیرند و از درجه هوش کم‌تری برخوردارند، اما تمام

اشتباه در این است که توجه ندارند که ما امروزه نیازها، روش‌های آموزشی و اهداف تعلیم و تربیت مان تغییر کرده است.^(۳) این مطلب بیانگر این نکته است که دانش‌آموزان مشکلاتشان در «کند ذهنی»، «بازیگوشی» و... خلاصه نمی‌شود.

آیا معلمان هم در افت تحصیلی دانش‌آموزان مؤثر هستند؟

کار تعلیم و تعلّم از امور بسیار خطیر و بالارزش است. هم از این‌روست که امام خمینی ره می‌فرمایند: «نقش معلم در جامعه نقش انبیاء است» و لذا هر معلمی باید وظیفه خود را وظیفه الهی تلقی کند.

معلم موفق کسی است که خود را تنها عهده‌دار تعلیم خواندن و نوشتن نبیند، بلکه پرورش روحی و روانی محصلان را نیز از اهم مقاصد خود به شمار آورد. معلم می‌تواند با یک برخورد کوتاه سرنوشت و آینده دانش‌آموزان را تغییر دهد. آشنایی با روان‌شناسی تعلیم و تربیت از ضروری‌ترین اموری است که هر معلمی باید بدان توجه کند و عدم آشنایی معلمان با این مسائل از موجبات بزرگ افت و شکست تحصیلی تلقی می‌شود. توجه به مشکلات مادی معلمان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چرا که اگر وضعیت مادی و معیشتی آنان متعادل نباشد، معلم مجبور است برای گذران زندگی خود با انتخاب شغل‌های مختلف، شغل معلمی را به عنوان یک کار جنبی به حساب آورد؛ یعنی در ساعاتی که باید صرف بهبود کیفیت آموزشی خود کند و به ارتقاء سطح معلومات خود پردازد، به کارهایی تن دهد که با روحیه وی ناسازگار است. آیا ممکن است آن‌جا که اندیشه و روان معلم در کلاس درس متوجه اجاره بهای عقب افتاده یا نگران معیشت خانواده خود است، شاهد افت تحصیلی نباشیم؟

ضعف علمی معلمان، عدم برنامه‌ریزی برای تدریس، کاستی‌ها در متد آموزش، عدم آشنایی لازم با روحیه متعلمان از عوامل مهم دیگری است که موجب افت و شکست تحصیلی می‌شود.

نکته‌ای که معلمان باید بدان توجه کنند، این است که فرض همگنی و همانندی دانش‌آموزان، فرض باطلی است. دانش‌آموزان با خواست‌ها، تمایلات و علایق متفاوت و از لحاظ هوشی نیز میان آنان تفاوت‌های آشکاری وجود دارد و نباید انتظار داشت که همه آنان در یک سطح و به یک اندازه توان و قدرت یادگیری داشته باشند. متأسفانه بعضی از معلمان برای جبران این نقیصه سعی می‌کنند با دادن تکالیف مضاعف، نقائص یادگیری کلاس را جبران کنند و دانش‌آموزان نیز در خانه تمرین برای درس داشته باشند. این تکالیف بعضاً چون با نیازها و توانایی‌های آن‌ها تطابق ندارد نه تنها اثری ندارد که موجب دلسردی و زدگی آنان از درس و و مدرسه می‌گردد و

هستند که اخراج می‌شوند؛ زیرا در نتیجه سوء تغذیه سرکلاس به خواب می‌روند و... زیرا کودکان طبقات دارای درآمد بالا امکانات بهتری برای یادگیری در منزل داشته‌اند... ولی فقرا تحصیل کافی پسرشان برای دست یافتن به شغلی ثابت، هرچند پست، به نظر می‌رسد و رای تصور آنان است، تا چه رسد به دخترانشان.^(۴)

در همین رابطه مالکولم ادیسشیا می‌گوید: «اکثریت کسانی که تحصیلات را به پایان می‌رسانند از خانواده‌های مرفه جامعه هستند؛ چون منحصرأ کودکان فقیر هستند که ترک تحصیل می‌کنند.»^(۵)

«... نوع تغذیه و بهداشت و مراقبت‌هایی که از کودک می‌شود، مستقیماً در رشد او اثر می‌گذارد. سوء تغذیه به خصوص کمبود پروتئین، موجب کندی رشد وزن و حجم مغز او می‌شود. به طور خلاصه می‌توان گفت که ناپرابری امکانات تربیتی و تحصیلی، در واقع از خانواده آغاز می‌شود.»^(۶)

شرایطی که دانش‌آموزان در آن رشد می‌کنند، محیط خانواده، اجتماع، امکاناتی که دانش‌آموزان از آن استفاده می‌کنند، هوش و استعداد آنان، معلمانی که با آنان سر و کار دارند، مطالبی که به دانش‌آموزان القا می‌شود، نوع ارتباط معلم و دانش‌آموز، تعداد دانش‌آموزان در کلاس، فاصله‌ای که دانش‌آموز باید از خانه تا مدرسه بپیماید و... از عواملی است که می‌تواند به عنوان مشکل و از عوامل افت و شکست تحصیلی دانش‌آموزان محسوب گردد.

دانش‌آموزانی که در خانه شاهد درگیری والدین و بگومگوی آنان هستند و از تغذیه ناکافی برخوردارند، و از شلوغی خانه نیز رنج می‌برند، علاوه بر آن جای مناسبی که بتوانند با حواسی جمع در آن به مطالعه بپردازند نیز ندارند، به طوری که «بیش تر اوقات در اتاق نشیمن، حیاط، پشت بام، زیرزمین، کوچه، خیابان و... به مطالعه می‌پردازند.»^(۷) چگونه ما شاهد افت تحصیلی آن‌ها نباشیم.



موجبات افت تحصیلی آنان را فراهم می‌آورد.

آیا پدر و مادرها نیز می‌توانند در افت یا شکست تحصیلی مقصر باشند؟ چه‌طور؟

از عوامل مهم برون سازمانی که تأثیر مستقیم و زیادی روی تحصیل دانش‌آموزان دارد، فقر معیشتی خانواده است. در این رابطه اقتصاددان آموزشی «جان سیموتر» می‌گوید: «... فقرا اولین گروهی هستند که ترک تحصیل می‌کنند. زیرا مجبورند کار کنند. فقرا اولین گروهی

- پی‌نوشت‌ها**
۱. ر.ک: خمینو حوزة بـلات، شکست تحصیلی در آموزش ابتدایی و راه‌های مقابله با آن، ترجمه محمدعلی امیری، ویرایش دوم، تهران، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۳، ص ۱۵
 ۲. مایکل تودارو، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، ج اول، چاپ دوم، ویرایش سوم، تهران، برنامه و بودجه ۱۳۶۶، ص ۵۰۶
 ۳. مالکولم ادیسشیا، تفکر درباره تحولات آینده آموزش و پرورش، ترجمه محمدعلی امیری، چاپ دوم، تهران، برنامه و بودجه، ۱۳۶۸، ص ۹۷
 ۴. حوزة بـلات، پیشین، ص ۱۸
 ۵. سید احمد احمدی، روان‌شناسی نوجوانان و جوانان، چاپ اول، ۱۳۶۸، ص ۷۵
 ۶. علی قائمی، مسائل نوجوانان و جوانان، ص ۲۳۲، به نقل از سید احمد احمدی، روان‌شناسی نوجوانان و جوانان، ج اول، ص ۶۸
 ۷. مصطفی عسکریان، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، ج اول، تهران، ۱۳۶۸، ج حیدری، ص ۱۰۶-۱۰۷